

Original Paper **Analyzing critical parables in Farrokhi's and Forough poems with the approach of social influences**

Hosein Mehrabibardar¹, Mohammadali Sharifiyan^{2*}, Rajabali Fakhraeiyan³

Abstract

Critical parables are one of the last tools of elite thinkers and poets to protest against the atmosphere of suffocation and suffocation prevailing in the society. The importance of this research is to know that in a society reform is formed in the real sense and growth and perfection are realized, that critiques based on reasoning from the intellectual class become common. The purpose of this research is to examine Farrokhi's allegorical-critical poems along with similar examples from the Holy Quran, Nahj al-Balagha and great poets, especially Forough Farrokhzad, with a descriptive-analytical method based on library sources, and the critical view of Farrokhi Yazdi in his allegorical poems according to the prevailing conditions. to be analyzed in the bowl of social literature on its own time. No background was found on the topic of critical parables of Farrokhi and Forough poems. The method of research was extracting allegorical-critical poems in Divan Farrokhi and Forough and analyzing them. The question is whether the allegorical criticisms of Farrokhi and Forough had an impact on the social developments of that time or not? He sees no other way than to express the facts in the form of plain and sometimes allegorical, metaphorical and ironic prose. Because he has tried the path of evangelism and gossip before, like all the freedom fighters of history, he knows the hard end, but he believes that he keeps the light of awareness on, and because his choice is a conscious courage, even if his life is on the line, he conveys his words and his message.

Key words: allegory, critical literature, Farrokhi Yazdi, Forough Farrokhzad, community

- 1- PhD student in Persian language and literature, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran.
 2-Assistant Professor of Persian Language and Literature, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran
 3-Assistant Professor of Persian Language and Literature, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran

<p>Please cite this article as (APA): Mehrabibardar, H., sharifiyan, M., & fakhraeiyan, R. (2023). Analyzing critical parables in Farrokhi's and Forough poems with the approach of social influences. <i>Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly</i>, 15(55), 30-58.</p>	
 Creative Commons: CC BY-SA 4.0	 https://doi.org/ 10.30495/JPLL.2023.1977088.1291
	 https://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.2023.15.55.2.7
<p>Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 55 / Spring 2023</p>	
<p>Received: 31 January 2023 Accepted: 23 May 2023</p>	<p>Received in revised form: 23 May 2023 Published online: 23 May 2023</p>

مقاله پژوهشی: تحلیل تمثیل‌های انتقادی در اشعار فرخی و فروغ

با رویکرد تأثیرات اجتماعی

حسین مهربابی بردر^۱، محمدعلی شریفیان^{۲*}، رجب فخرائیان^۳

چکیده




تمثیل‌های انتقادی یکی از آخرین ابزارهای اندیشمندان و شاعران نخبه برای اعتراض به فضای خفقان و اختناق حاکم بر جامعه است. ضرورت و اهمیت این پژوهش برای این است که بدانیم در جامعه‌ای اصلاح به معنای واقعی شکل می‌گیرد و رشد و کمال محقق می‌گردد که نقدهای مبتنی بر استدلال از سوی طبقه روشنفکر رایج شوند. هدف از این پژوهش نیز این است که اشعار تمثیلی-انتقادی فرخی در کنار نمونه‌های مشابه از قرآن مجید، نهج‌البلاغه و شاعران بزرگ به‌ویژه فروغ فرخزاد با روش توصیفی-تحلیلی بر پایه منابع کتابخانه‌ای بررسی شوند و نگاه نقادانه فرخی یزدی در اشعار تمثیلی‌اش با توجه به شرایط حاکم بر زمان خودش در کاسه ادبیات اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد. پیشینه‌ای در موضوع تمثیل‌های انتقادی اشعار فرخی و فروغ مشاهده نگردید. شیوه پژوهش استخراج اشعار تمثیلی-انتقادی در دیوان فرخی و فروغ و تحلیل آن‌ها بوده است. سؤال این است آیا نقدهای تمثیلی فرخی و فروغ تأثیری در تحولات اجتماعی آن زمان داشته است یا خیر؟ او راهی جز بیان حقایق در قالب نظم و نثرهای بی‌پرده و گاه تمثیلی، استعاره‌ای و کنایی نمی‌بیند. چون مسیر تبشیر و تبتیر را پیشتر آزموده همچون تمامی آزادیخواهان تاریخ، فرجام سختش را می‌داند ولی باور دارد که چراغ آگاهی را روشن نگاه دارد و چون انتخاب خودش شجاعتی آگاهانه است، حتی اگر پای جانش در میان باشد، حرفش را و پیامش را ابلاغ می‌کند.

کلمات کلیدی: تمثیل، ادبیات انتقادی، فرخی یزدی، فروغ فرخزاد، اجتماع

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران. hmehrabibardar@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران، نویسنده مسئول. Masarifian47daa@yahoo.com

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران. RF_290@yahoo.com

<p>لطفاً به این مقاله استناد کنید: مهربابی بردر، حسین، شریفیان، محمدعلی، فخرائیان، رجب. (۱۴۰۲). تحلیل تمثیل‌های انتقادی در اشعار فرخی و فروغ با رویکرد تأثیرات اجتماعی. فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۵(۵۵)، ۵۸-۳۰.</p>	
 <p>حقوق مؤلف © نویسندگان.</p>	 <p>https://doi.org/10.30495/JPLL.2023.1977088.1291</p>
	 <p>https://dor1.net/dor/20.1001.1.2717431.2023.15.55.2.7</p>
<p>ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و پنجم / بهار ۱۴۰۲ / از صفحه ۲۳-۴۵</p>	
<p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱</p>
<p>تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲</p>	<p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲</p>

مقدمه

اهمیت نقد در جامعه به حدی است که همه‌ی جنبه‌های زندگی اجتماعی را می‌تواند تحت‌الشعاع قرار دهد. فراهم ساختن زمینه‌های نقد به‌نوعی مطالبه‌گری اجتماعی می‌انجامد و اگر بخواهیم به تاریخچه نقد پردازیم بدون شک به تاریخ تمدن بشر خواهیم رسید. آنگاه که زبان نقد صریح کارساز نیست و یا خطر ساز می‌شود، زبان به تمثیل، استعاره و کنایه روی می‌آورد.

پروردگار متعال نیز در قرآن گاهی برای القای مفاهیم والای اخلاقی و اجتماعی از زبان تمثیل بهره می‌گیرند. همچنین در روایات، احادیث منقول از پیامبر گرامی اسلام و سخنان گهربار امیرمومنان در نهج‌البلاغه و سایر شعراء، کاربرد تمثیل نقش بسزایی در ارائه‌ی یک الگوی اجتماعی مناسب ایفا می‌نماید.

انتخاب موضوع بررسی اشعار تمثیلی - انتقادی فرخی و فروغ با رویکرد تأثیرات اجتماعی، نه صرفاً به دلیل علاقه و دل‌مشغولی همیشگی‌ام در اهمیت به مقوله نقد است، بلکه با مطالعه اشعار انتقادی بعضی از شاعران به‌ویژه فرخی یزدی که چاشنی تمثیل هم داشتند؛ بیشتر قصد کردم تا در تکرار این ندای دل‌نشین نقشی داشته باشم. تعیین مرزهای خالصی‌ها از ناخالصی‌ها، باوجود منتقدان تیزبین ممکن است و استمرار جریان‌های منتقد در هر نظامی به اصلاح و کمال منجر می‌گردد؛ مطالعه این پژوهش ضمن یادآوری تاریخی حرکت‌های انتقادی در ادبیات سیاسی - اجتماعی دیوان فرخی تا حدودی پاسخگوی نیازهای امروز در حوزه‌ی ادبیات انتقادی با کاربرد تمثیل و استعاره همراه با راهکارهای عملی خواهد بود؛ زیرا همیشه این پرسش وجود دارد: آیا نقد به معنای واقعی کلمه در کنار تمثیل، استعاره و کنایه در همه‌ی جنبه‌های زندگی بشر می‌تواند تأثیری در شکل‌گیری یا تغییر ساختار فرهنگ جامعه داشته باشد یا خیر؟ و آیا ادبیات انتقادی به شکل صریح و یا در پوشش تشبیه، تمثیل و استعاره به رشد آگاهی اجتماعی در مطالبه‌گری منتج خواهد شد؟

و چه پیامدهایی برای نظام‌های سیاسی و حاکمان دارد؟ گرچه انحصارطلبی‌های برخی از حاکمان در تعدیل و تعطیلی نقدها مؤثر است اما ارائه‌ی یک رویه‌ی متعادل در نقد پردازش به‌ویژه انتقاد تمثیلی با رویکرد تأثیرات اجتماعی به استمرار روحیه‌ی آزادگی می‌انجامد.

بیان مسئله

تمثیل به‌عنوان یکی از آرایه‌های ادبی اغلب در دو نوع تمثیل توصیفی (کوتاه) یا تمثیل روایی (گسترده) کاربرد دارد و از آنجاکه در نظام اجتماعی آنچه باعث تعالی و کمال می‌شود بررسی نقاط قوت و ضعف آن است و در طول تاریخ هر جا به منتقدان اجازه نقد آزادانه داده شده است دلیلی متقن بر حکومت دانیانی بوده است که عدالت را سرلوحه امور مملکت‌داری نموده‌اند؛ از طرف دیگر در هر جایی که پادشاهان و رهبران باانصاف و عالم، به منتقدان اجازه‌ی اظهارنظر داده‌اند، اصلاحات خیلی سریع به ترقی همه‌جانبه منجر شده است و به‌راستی آدمی که تنها موجود ذی‌شعور عالم خلقت است و به‌زعم ما لقب خلیفه‌اللهی را یدک می‌کشد تا کی می‌خواهد برای مطامع دنیایی و منافع زودگذر پوچ، از پویایی ادبیات انتقادی واهمه داشته باشد؟ و شعرا برای گریز از تبعات احتمالی، تمثیل به شعر انتقادی اضافه می‌نمودند که شعر فرخی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. البته باید دانست ورود به مبحث پرخطر نقد حتی به‌صورت نظری و در حد تحقیق نیز ممکن است بی‌زحمت نباشد؛ باین حال همیشه در راه ماندن بهتر از در جا ماندن است و در تاریخ ادبیات گاهی می‌بینیم حتی مدح‌های غیرواقعی نیز به‌نوعی ظریف، نقد مسلم محسوب می‌شوند و شاعران، زمانی که امکان نقد صریح و مستقیم را نداشته‌اند از راه‌های دیگر وارد شده‌اند که یکی از آن‌ها تمثیل بوده است. تشبیه تمثیلی، استعاره و کنایه نیز در بیان مقاصد کاربردهای جذاب و جالبی دارند.

هدف پژوهش

با بررسی اشعار تمثیلی - انتقادی فرخی یزدی در کنار نمونه‌هایی از قرآن کریم، روایات، سخنان علی بن ابیطالب و سایر بزرگان شعر و ادب؛ تأثیر کلام تمثیلی در بیان رابطه متقابل رفتار حاکمان با تعاملات واقعی اجتماع ارزیابی می‌شود.

ضرورت پژوهش

این تحقیق از این جهت حائز اهمیت است که هر جا به روشنفکران جامعه در فضایی آزاد و به‌دور از تردید و ترس، اجازه اظهارنظر، اعتراض و انتقاد داده می‌شود پیشرفت همه‌جانبه محقق می‌گردد، در غیراینصورت استبداد مزمن به فساد و تباهی می‌انجامد.

پیشینه تحقیق

اما اگر بخواهیم به‌عنوان مصداق، به تاریخچه ادبیات انتقادی اشاره‌ای داشته باشیم، باید برخی از اشعار شاعر عرب‌زبان، اسماعیل بن یسار در مذمت خلیفه وقت امویان و تفاخر به نژاد ایرانی را در این مقوله بگنجانیم. (نفیسی، ۷۱: ۳۳) پس از آن نهضت شعوبیه را می‌توان به‌عنوان آغازگران این اندیشه‌ی پرخاشگرایانه محسوب کرد. (صفا، ۶۲: ۱۲۰)

و در میان بزرگان معاصر می‌توان به آثار زیر که در خصوص موضوع این پژوهش اظهار فضل نموده‌اند اشاره نمود:

شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۸). تحقیق انتقادی در تطور ایمازهای شعر فارسی (صور خیال در شعر فارسی) که استاد در این اثر ارزشمند شعر فارسی را در دو بخش اصلی از جنبه بیان هنری با توجه به نقد ادبی جدید مورد مطالعه قرار داده‌اند. در بخش اول طرح کلی صور خیال است و بخش دوم بررسی شعر یک شاعران برجسته از آغاز پیدایش ادب دری تا پایان قرن پنجم هجری مورد بررسی قرار گرفته است.

حسن‌پور آلاشتی، حسین، (۱۳۹۰). تحلیل درون‌مایه‌های اشعار فرخی بر اساس نظریه زیباشناسی انتقادی که در مجله متن‌شناسی ادب فارسی به چاپ رسیده و در آن به تحلیل درون‌مایه دیوان سرشار از انتقادهای تمثیلی فرخی پرداخته شده است.

نعیمی، سهیلا، (۱۳۹۵). ادبیات انتقادی در عصر قاجار، بررسی نقش ادبیات انتقادی در انعکاس مسائل سیاسی ایران عصر قاجار که پژوهنده این مقاله را در مجله رشد آموزش تاریخ به زیور طبع آراسته‌اند. صرفی، محمدرضا، (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی شعر فرخی؛ که در مجله ادب و زبان فارسی به چاپ رسیده است.

البته با جستجو در سایت‌های مختلف درزمینه‌ی موضوعی این پژوهش که بررسی اشعار تمثیلی-انتقادی فرخی یزدی می‌باشد؛ هیچ‌گونه اثری مشاهده نشد.

روش تحقیق: این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی بر پایه منابع کتابخانه‌ای به تجزیه و تحلیل اشعار انتقادی فرخی پرداخته است جامعه آماری این تحقیق تمام اشعار انتقادی فرخی است و برای دستیابی به پاسخ برخی از پرسش‌هایم و تا حدودی ارضای حس درونی‌ام در این حوزه، با مطالعه منابع مرتبط با ادبیات انتقادی به‌ویژه دیوان فرخی یزدی و با بهره‌گیری از نمونه‌هایی از اشعار سایر بزرگان ادب فارسی مخصوصاً فروغ فرخزاد در این حوزه و با بررسی تطبیقی-تحلیلی نمونه‌های تمثیلی-انتقادی اشعار و ابیات مرتبط با رویکرد اجتماعی، کار گردآوری اطلاعات انجام گردید.

۱- ادبیات تمثیلی - انتقادی

گرچه در ادبیات ما مقوله‌ی مستقلی بانام «ادبیات تمثیلی- انتقادی» در تقسیم‌بندی انواع ادبیات تعریف نشده است با این حال باید اذعان کرد: بخش‌های عمده‌ای از ادبیات آموزشی، حماسی، نمایشی، غنائی و حتی عرفانی ما آمیخته با لحن و زبانی انتقادی است که در قالب تمثیل گنجانده می‌شود. به عنوان مثال «ممکن است بعضی فکر کنند ادبیات عرفانی ما از جنبه‌های اجتماعی خالی است. درحالی‌که جنبه‌های اجتماعی آثار عرفانی از دو دیدگاه قابل توجه است: ۱- دوری عارفان از اجتماع به شکل غیرمستقیمی نقد اجتماع، اخلاق و آداب جامعه است. ۲- ارائه جامعه آرمانی و آرمان شهر در ادبیات عرفانی به معنی نقد جامعه و رابطه‌های حاکم بر آن است؛ عارفان آنچه را می‌دیدند نمی‌پسندیدند و آنچه را می‌پسندیدند، نمی‌دیدند؛ به‌ناچار با ارائه‌ی جامعه آرمانی تلاشی در جهت اصلاح جامعه می‌کردند.» (مهرابی، ۹۴: ۱۴)

فرخی سعی نموده است همانند برخی شاعران گاهی انتقاد خود را در تمثیل‌هایی زیبا بیان کند به‌عنوان نمونه او همچون «حافظ که در کاربرد اکثر صنایع ادبی قدرت ویژه‌ای دارد در کاربرد ابیات مستقل نیز بی‌نظیر است در دیوان حافظ نمونه‌هایی از تک‌بیت‌های مستقل و ناب یافت می‌شود که بسیاری از آن‌ها را می‌توان به‌عنوان نمونه‌های زیبای اسلوب معادله قلمداد کرد.» (هنرمند، ۱۴۰۰: ۱۵۹) فرخی نیز اسلوب معادله را راحت‌ترین راه برای بیان اهدافش بکار می‌گیرد.

در بیت زیر فرخی گرچه در مصرع اول خون‌دل دانایان را به همراه پرسشی که می‌تواند به‌نوعی استفهام انکاری هم باشد، تشبیه می‌کند و حتی القا می‌کند که ارزشش فراتر هم هست اما همه هدفش را در مصرع دوم و در پوشش یک تمثیل بسیار نمادین مطرح می‌نماید و شاید گوشه چشمی به این بیت از خواجه حافظ شیراز «فلک به مردم نادان دهد زمام امور تو اهل فضل و دانشی همین گناهت بس» داشته همچنین غزل دل‌نشین صائب تبریزی و بیت «دود اگر بالا نشیند کسرشان شعله نیست جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است» دیده است.

تمثیل پشک به حاکم و مشک به دانایان در قالب یک اسلوب معادله:

چرا چون نافه آهو نگردد خون‌دل دانا در آن کشور که پشک ارزان کند مشک تتاری را

(فرخی، ۶۰: ۴۴)

با این همه پیش از هر چیز لازم است تعریف نقد و انتقاد را بدانیم.

۱-۱- **تعریف نقد:** در لغت‌نامه دهخدا این واژه به معنای متعددی از جمله «خلاف نسبه» «خرده‌گیری» «سخن‌سنجی» آمده است اما آنچه مدنظر این پژوهش است «نظر کردن در درم‌ها و جز آن‌ها و خوب و بد آن‌ها را از هم جدا کردن» و «بهین چیزی برگزیدن» می‌باشد. در فرهنگ لغت معین در تعریف نقد به جدا کردن «سره از ناسره» و شناختن خوبی‌ها و بدی‌های یک موضوع اشاره شده است؛ و در اصطلاح به مفهوم داوری و قضاوت دوجانبه در مورد یک گزاره است؛ نقد نوعی مقاومت است. نقد به یک موضوع کمک می‌کند تا اعتبار یابد و گرچه همراه انتقاد می‌آید، اما تفاوت‌های مفهومی با آن دارد.

۲-۱- تعریف انتقاد

علامه دهخدا در تعریف «انتقاد» به معنای جدا کردن «خوب از بد یا گاه از گندم و مانند آن» است و «بیرون کردن درم‌های ناسره از میان درم‌ها» آورده است. و مرحوم معین نیز در ذیل واژه نقد از حیث ادبی به «تشخیص معایب و محاسن اثری ادبی» اشاره کرده است.

۳-۱- تعریف ادبیات تمثیلی - انتقادی

ادبیات انتقادی یا بقول برخی از نویسندگان این مقوله ادبیات پرخاشگر «ادبیاتی است که از نظام‌های سیاسی و اجتماعی خاص حمایت می‌کند و با نظام‌های بخصوص به ستیز برمی‌خیزد و از آن‌ها زبان به انتقاد می‌گشاید» (فرشیدورد، ۷۲: ۸۲)

در این نوع ادبیات به مقتضای زمان و مکان، شاعر با نویسنده «معایب و نارسائی‌های اخلاقی و رفتاری فرد یا اجتماع را به صورت هجو، هزل و یا به زبان طنز بیان می‌کند.» (رزمجو، ۸۹: ۸۹)

اما در ادبیات تمثیلی - انتقادی شاعر با هنرمندی نقدش را با تمثیل یا استعاره می‌آمیزد تا از تندی آسیب نقد شونده در امان بماند و راه‌گزینی داشته باشد. فرخی یزدی در این بیت مجله جدیدش را با ایهامی تشبیهی در هم می‌آمیزد و تمثیلی از طوطیان شکرشکن را به خود نسبت می‌دهد.

تمثیل تشبیهی مضامین و گفتارش به شکر در اسلوب معادله زیر:

غزل نامه طوفان به مضامین جدید در بر خسرو شیرین دهان چون شکر است

(فرخی، ۶۰: ۶۴)

۲- تمثیل در قرآن و نهج البلاغه

«در قرآن به بیان و ذکر مثل و تمثیل تصریح شده است و بیش از ۲۴۵ آیه قرآن به عنوان ضرب المثل در زبان فارسی و عربی به کار می‌رود.» (ریچارد پل، مستشرق انگلیسی، مؤلف کتاب origin of islam) تمثیل سگ به عالمان هواپرست:

خدایوند در توصیف عالمانی که باهمه‌ی دانش باز هواپرستی پیشه می‌کنند می‌فرماید: «و اگر ما به مشیت نافذ خود می‌خواستیم به آن آیات او را رفعت و مقام می‌بخشیدیم و لکن او به زمین فروماند و پیرو هوای نفس گردید و در این صورت مثل او به سگی ماند که اگر او را تعقیب کنی یا به حال خود واگذاری به عوعو زبان کشد ای رسول ما این است مثل مردمی که آیات خدا را بعد از علم به آن تکذیب کردند این حکایت به خلق بگو باشد که فکری کنند.» (اعراف ۱۷۶-۱۷۷)

پروردگار متعال زندگی با منافقین را مانند زمانی که رعدوبرق لحظه‌ای می‌زند، می‌داند تمثیل منافقین:

«یا مثل آنان چون کسانی است که در بیابان، باران تندی بر آن‌ها ببارد و در تاریکی رعدوبرق، آنان سرانگشت خود را از بیم مرگ در گوش نهند و عذاب خدا کافران را فراگیرد.» (بقره، ۲۰-۱۹)

امام علی (ع) در نامه ۵۷ نیز در تبیین انتقاد می‌فرماید: «همانا من خدا را به یاد کسی می‌آورم که این نامه به دست او رسد تا به سوی من کوچ کند اگر مرا نیکوکار یافت یاریم کند و اگر گنه‌کار بودم مرا به حق بازگرداند...» (همان، ۴۲۲)

از زیباترین شاهکارهای نقد و مرزبندی منتقدان واقعی در برابر حکومت، برخورد امیر مؤمنان با خوارج است. شهید مطهری در ذیل عنوان دموکراسی علی (ع) می‌نویسد: «امیرالمؤمنین با خوارج در منتهای درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرده او خلیفه است و آن‌ها رعیتش؛ هرگونه اعمال سیاسی برایش مقدور بوده اما او زندانشان نکرد و شلاقشان نزد و حتی سهمیه آن‌ها را از بیت‌المال قطع نکرد و به آن‌ها نیز همچون سایر افراد می‌نگریست آن‌ها در همه‌جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خودش و اصحابش باعقیده آزاد با آنان روبرو می‌شدند و بحث می‌کردند طرفین استدلال می‌کردند استدلال یکدیگر را جواب می‌گفتند.» (مطهری، ۶۰: ۱۴۳)

۳- تمثیل در اشعار بزرگان ادب فارسی با تاکید بر تولدی دیگر از فروغ فرخزاد

در آثار بسیاری از شعرا و ادبای ایران‌زمین، شاه را به‌مثابه‌ی چوپان و جماعت رعیت را به‌منزله گله تمثیل کرده‌اند و این مثال‌های بسیار بجا برگرفته از حدیثی با مضمون «أَلَا كَلْكُم رَاعٍ وَ كَلْكُم مَسْوُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ» می‌باشد. (تفسیر المیزان، ۸۲، ۱۵)

در مثنوی معنوی مولانا از تمثیل استفاده کرده است.

تمثیل تشبیهی نبی و رمه به چوپان و مردم:

کُلْکُم راعِ نبی چو راعیست خلق مانند رمه او ساعیست

(مولوی، ۵۸۶:۶۲)

یا وقتی شیخ اجل می‌سراید:

تمثیل تشبیهی شبان و گله به حاکم و رعیت:

میازار عامی به یک خردله که سلطان شبانست و عامی گله
چون پرخاش بیند و بیداد ازو شبان نیست گرگست فریاد ازو

(سعدی، ۷۲:۲۱۰)

تمثیل تشبیهی پاسبان، چوپان و گوسفند به ترتیب به پادشاه، حاکم و مردم جامعه:

پادشاه پاسبان درویش است گرچه رامش به فر دولت اوست
گوسفند از برای چوپان نیست بلکه چوپان برای خدمت اوست

(سعدی، ۶۲:۷۲)

درواقع دقت نظر این بزرگان را در تائید حدیث نشان می‌دهد و البته بررسی شواهد و طرفین مثال از حیث موضوع نقد تمثیلی که عنوان این پژوهش نیز هست، اهمیت آن را دوچندان می‌نماید. یعنی اگر وظایف ابتدایی و البته اساسی چوپان را بررسی کنیم به‌سادگی درمی‌یابیم که شعرا با نقد نقش حاکم در قالب مثال‌ها و تمثیل‌ها، هدفی جز تعالی و پیشرفت جوامع نداشته‌اند. شخصیت حاکم در اجتماعات بشری تا حدی مهم‌تر از نیازهای اساسی می‌باشد، اینکه پادشاه می‌بایست همچون چوپان به فکر محل چرا، خواب و تأمین رعیت باشد خود دلیلی بر اهمیت وظایف پادشاهان و حاکمان در قبال مردم است؛ یعنی همان‌گونه که:

۱. چوپان برای گله باید آب‌سخورهای مناسب و چراگاه‌های ایمنی را بیابد تا گوسفندان بتوانند در آرامش به باروری، رشد و پرورش بره‌ها پردازند. حاکم نیز باید با در نظر گرفتن نیازهای پایه‌ای مردم مثل خوراک و مسکن زمینه‌ی یک زندگی همراه با آسایش و آرامش را برای عامه مردم فراهم نماید.
۲. چوپان برای مراقبت از گله باید سگ‌هایی وفادار را انتخاب کند و به تعداد گوسفندان بر تعدادشان

بیفزاید تا مایه آرامش و امنیت باشند. این که سگ‌های گله نباید گوشتخوار باشند و غذایشان در فواصل منظم از آرد و جو تهیه و خورانده شود بیانگر این موضوع است که اگر پادشاهان، پاسبانانی را بر رعیت بگمارند که خود به‌دوراز هرگونه مراقبت و نظارت به خوردن مال مردم عادت کنند، تباهی گله حتمی خواهد بود. صدالبته چوپان باید در مراقبت و خوراک و حتی جای سگ‌ها و ... هم اهتمام داشته باشد همان‌گونه که پادشاه باید برای محافظت از مردم نگهبانانی وفادار را تربیت کند که خود از نظر مسکن، خوراک، لباس و ... تأمین باشند.

در نظام‌های حکومتی که بر این مبنا با دستگاه‌های امنیتی خود رفتار می‌کنند دیگر شاهد تعرض و تجاوز به‌حق شهروندان نخواهی بود و مردم در اعتمادی متقابل با مأموران انتظامی در نهایت احترام رفتار می‌کنند.

حضرت علی (ع) در این خصوص و در توصیف سیمای کارگزاران دولتی فرمود:

«پس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار... سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر بکوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند» (نهج‌البلاغه، ۸۲: ۴۱۱)

و چنانچه با گماردن این‌گونه کارگزاران بازهم شاهد آزار و اذیت رعیت، توسط اخلاص گران و دزدان باشیم قاطعیت در برخورد و مجازات اراذل و متعرضان به حریم مردم به‌عنوان تنها راه باقی‌مانده کارساز خواهد بود همان‌گونه که اختر چرخ ادب (پروین اعتصامی) هم در داستان تمثیلی گرگ و شبان زمانی که دیگر چوپان از گله کشی گرگ‌ها به تنگ می‌آید و با نقشه‌ای زیرکانه او را به‌شدت تنبیه می‌کند پاسخ گرگ بسیار شنیدنی است.

تمثیل نمادین گرگ و شبان که هم کنایه و هم استعاره دارد:

نشاید وقت بیداری غنودن	شبان بودن ز گرگ آگه نبودن
شبانی باید ای مسکین شبان را	توان شب نخفتن پاسبان را
نه هر کو گله‌ای راند شبان است	نه هر کو چشم دارد پاسبان است
تو عیب کار خویش از خود نهفتی	به هنگام چرای گله خفتی

(پروین، ۷۹: ۵۲۷ - ۵۲۶)

در مصرع اول بیت سوم نیز به بیتی از حافظ که ضرب المثل شده است اشاره می‌کند «نه هر که سر بتراشد قلندری داند» و این مثل در ادبیات محلی هم آمده است «هر کسی که کمرش را بچرخاند مسگر نمی‌شود.»

پروین حاکمی را که با غفلت در امور رعیت زمینه‌ی جسور شدن گرگ‌ها را فراهم کرده نیز مقصر می‌داند.

باتوجه به بررسی اشعار فروغ فرخزاد به‌ویژه در دفتر چهارم (تولدی دیگر) باید گفت فروغ نیز برای انتقال اندیشه‌های درونی خود از تمثیل برای انتقاد بهره گرفته است و با این شیوه تلاش می‌کند دغدغه‌ها و دلمشغولی‌هایش را در حوزه آزادی بخصوص آزادی زنان، برابری حقوق زن و مرد به مخاطبانش منتقل نماید و بیشتر با حرکت غریزی زنانه‌اش سعی در تحریک احساسات دارد.

«تمثیل تشبیهی شب به موم و چشم به صراحی»

نگاه کن که موم شب به راه ما / چگونه قطره قطره آب می‌شود / صراحی سیاه دیدگان من / به لالای گرم تو / لبالب از شراب خواب می‌شود. (فرخزاد، ۱۷۵، ۹۷)

«تمثیل تشبیهی گنجشک‌های مرده به معصومیت از دست رفته»

در پای گلدان‌های خشک یاس / گنجشک‌های مرده‌ام را خاک می‌کردم (همان، ۱۶۷)

«تمثیل باد به هوا و هوس»

در شب کوچک من، افسوس / باد با برگ درختان می‌عادی دارد. (همان، ۱۸۱)

«تمثیل پارادوکسی شب سرشار از اوضاع»

شب سرشار از انبوه صداهاى تهی (همان، ۱۹۴)

«تمثیل نمادین ماهی به باروری»

سلام ماهی‌ها... آیا در آن اتاق بلور / که مثل مردمک چشم مردها سرد است (همان، ۲۰۵)

«تمثیل تشبیهی مرکب زندگی به جویبار»

زندگی من چو جویبار غریبی / در دل این جمعه‌های ساکت متروک / در دل این خانه‌های خالی

دلگیر / آه چه آرام و پر غرور گذر داشت (همان، ۲۰۷)

«تمثیل ماه به آگاهی»

سیرسیرک‌ها فریاد زدند: ماه ای ماه بزرگ / در تمام طول تاریکی (همان، ۲۱۲)

«تمثیل تشبیهی دشت غریب به سرزمین»

و صداهایی از دور، از آن دشت غریب / بی ثبات و سرگردان (همان، ۲۱۸)

«تمثیل مرگزار به جامعه»

شب سیاهی کرد و بیماری گرفت... رفت و در من مرگزاری کهنه یافت (همان، ۲۲۴)

«تمثیل تشبیهی مرداب به خفقان»

خواب آن بی خواب را یادآورید/ مرگ در مرداب را یادآورید (همان، ۲۲۵)

«تمثیل نمادین شب به استبداد»

شب در تمام پنجره‌های پریده رنگ/ مانند یک تصور مشکوک/ پیوسته در تراکم و طغیان بود (همان،

۲۲۶)

«تمثیل نمادین چراغ به امید»

اگر به خانه من آمدی/ برای من ای مهربان چراغ به یار (همان، ۲۳۳)

«تمثیل تشبیهی مرگ به موش»

و عشق و میل و نفرت و دردم را/ در غربت شبانه قبرستان/ موشی به نام مرگ جویده ست (همان،

۲۳۴)

«تمثیل سیب به گناه»

باغ را دیدیم و از آن شاخه بازیگر دور از دست/ سیب را چیدیم (همان، ۲۴۷)

«تمثیل تشبیهی وطن به مادر»

آغوش مهربان مام وطن/ و پستانک سوابق پر افتخار تاریخی (همان، ۲۶۳)

«تمثیل پارادوکسی آیه تاریکی»

همه هستی من آیه تاریکیست که ترا در خود تکرارکنان به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی

خواهد برد (همان، ۲۷۴)

فروغ بسیار خاص و البته مسلط از تمثیل‌های نمادین استفاده کرده است که سبکی مخصوص خود

اوست، او گاهی در ارتباط گرفتن با اساطیر، سمبل‌ها و رمزها غیرممکن‌هایش را ملموس می‌نمایاند.

تمثیل‌های تشبیهی و استعاری زیبا مانند:

چراغ، دریچه، بهار، روز، آفتاب و سبزه به امید؛ مرداب، زمستان، مرداب و شب به خفقان جامعه؛ پری،

پرنده، برگ، مروارید و خانه به خودش و نهال به درخت بهشت.

در مجموع فروغ واقعیت‌های زندگی را با همه شخصیت‌های حقیقی مانند زن، مرد، طفل و ... همراه

تخیلی قوی با آلام و آمالش در می‌آمیزد تا نمایی تمام قد از روزگارش را به نمایش بگذارد.

۴- مبنای نقد تمثیلی در اشعار فرخی

برای اینکه یک نظام، تفکر و یا جامعه انسانی بر مبنای علوم علمی در جهت نیل به آرمان‌ها و اهداف تعیین شده حرکتی مثبت و مؤثر داشته باشد می‌بایست زمینه‌ای فراهم گردد تا توسط منتقدان روشن بین و آینده‌نگر نواقص، کاستی‌ها و ناخالصی‌ها تشخیص داده شوند و سپس راهکارهایی عملی برای ارتقا و بهبود آن موضوع با کمک و مشاوره همان منتقدان در نظر گرفته شود. منتقدی که دوراندیشی داشته باشد گاه پیامش را در یک تمثیل می‌گنجاند، فرخی برخی اوقات مصلحت را بر صراحت ترجیح داده است. در این بیت تمثیل تقابل عقل و جنون را آورده است.

تمثیل عاشق به مجنون:

کوی لیلی بس خطرناک است ز آنجا تا به حشر همچو مجنون باز گردد هر که عاقل می‌رود
(فرخی، ۱۳۹۰: ۶۰)

«باید بدانیم در ادبیات دو نوع منبع الهام بسیار متفاوت وجود دارد آثار سرایندگان نمایشنامه، داستان، شعر، خطابه، تعاملات و غیره و آثار منتقدان ادبی یا اخلاقی، زیبایی شناسان، قانون‌گذاران خوب و بد، شارحان کوچک و بزرگ و مانند آن‌ها» (افشار، ۱۳۷۵: ۲۲)

بدیهی است «فرد سالاری یکی از عواملی است که استقلال و کفایت روانی را از انسان می‌گیرد و فرد همه‌ی درها را بر روی خود بسته می‌بیند، در نتیجه محکوم به پاسخ‌هایی می‌شود که هیچ‌گونه اختیار سؤال کردن را هم ندارد و باید فقط فشار روحی را تحمل نماید مهم‌ترین ضوابط عدالت، نقد آزادانه‌ی حاکمان است.» (ایزائلو، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

روشنفکران که معمولاً از عصر خود کمی جلوتر هستند با درک آلام و مشکلات جامعه پیرامون خویش، این احساس شعورمند را به طرق مختلف ممکن به بدنه عوام منتقل می‌نمایند. گر چه به نظر می‌رسد این تبادل آگاهانه برای ثبت فرایندهای رشد همه‌جانبه در تاریخ هر کشور ماندگاری دارد، اما همراهی یا تقابل ترس هم نمی‌تواند از جسارت منتقدان اجتماعی بکاهد. ادبا و شاعران هوشمند مادام که نتوانند پیام‌های اعتراضی خود را در فضایی به‌دوراز تنش به مخاطبان‌شان که اغلب حاکمان هستند؛ برسانند از ادبیات تمثیلی برای انتقاد بهره می‌گیرند. «در واقع جو خفقان و دردآور حاکمان ظالم در دوره‌های مختلف باعث می‌شده است که شاعران و نویسندگان نتوانند در چنین فضایی آزادانه نظریات خود را بازگو کنند پس ناچار و ناگزیر به سمت استفاده و آفرینش نمادها و نشانه‌ها می‌رفته‌اند.» (کازرونی، ۱۳۹۸: ۱۲۲).

فرخی نیز کارگر را که نماد رعیت است به کبک تشبیه می‌کند و کارفرمای ظالم را به باز دست‌آموزی که پرورده ستم است مانند کرده است.

تمثیل تشبیهی کبک به کارگر و باز شکاری به کارفرمای دولتی:

ز جور کارفرما کارگر آنسان به خود لرزد که گردد روبرو کبک دری بازشکاری

(فرخی، ۶۰: ۴۴)

۴-۱- تبعات نبود نقد تمثیلی

در جامعه‌ای که نقد به شکل صحیح انجام نمی‌گیرد، اصلاح معنایی ندارد و جامعه در روندی طبیعی به استبداد و فردگرایی دامن می‌زند و به سمت بی‌عدالتی می‌رود و «وقتی تبعیض و بی‌عدالتی باشد و حقوق فردی رعایت نشود افراد نیز حقوق فراستان را رعایت نمی‌کنند، نتیجه چنین عمل و عکس‌العمل‌هایی فشارهای جسمی و روانی است که در نتیجه فرد و جامعه را دچار اختلالات فراوانی می‌کند.» (ایزائلو، ۸۴: ۱۱۴)

باید دانست که در همه جامعه‌ها به هر اندازه نقد آگاهانه و فضای آزاد برای بررسی‌های موشکافانه به اندیشمندان و روشنفکران داده شود به همان میزان از ریا و تظاهر کاسته می‌شود و گر چه ارزش آگاهی در نزد پروردگار متعال از هر چیزی فراتر است با این حال علم بی‌عمل و دانش همراه با هوس زنجیربست بر پای هرکسی که خودش را از عروج و کمال بازمی‌دارد و چنانچه نقدهای آشکار ممکن نباشد در قالب یک تمثیل که کنایه‌ای هم داشته باشد می‌تواند اثربخش باشد.

تمثیل طبقه روشن‌فکر به زنبورعسل:

همچو زنبورعسل هستیم چون ما لاجرم هر غنی را نیش و هر بیچاره را نوشیم ما

(فرخی، ۶۰: ۴۸)

منتقدان وارسته به هر شکل ممکن برای اصلاح امور جامعه انتقاد می‌کنند خواه مستقیم و خواه با تمثیل و استعاره. فرخی تمثیل خودش به نی را که می‌تواند یادآور نی نامه حضرت مولانا باشد به زیبایی در این بیت آورده است همچنین ایهام تناسب واژه نوایی در مصرع دوم به بلاغت تشبیه تمثیلی افزوده است.

نماد تمثیلی نی به شاعر دردمند:

همچون‌ی با دل سوراخ کند ناله سوز
 بینوایی که چو من شور و نوایی دارد
 (فرخی، ۹۲:۶۰)

۴-۲- آثار اجتماعی نقد

حتی در صورتی‌که فرصت بروز جریان‌های انتقادی هم باشد نظام‌های خودکامه به‌هیچ‌روی، نقد منتقدان را برنمی‌تابند و طناب دقیقاً از جای نازکش پاره می‌شود یعنی با شفاف‌سازی و روشن‌گری اهل نقد، ممکن است منافع عده‌ای به خطر بیفتد که این می‌تواند گاه با دردها و صدماتی برای منتقد همراه باشد و گاهی نیز نقد قدرت؛ تحفه‌ی شلاق، حبس و زندان را به ارمغان می‌آورد. پس نقدهای تمثیلی می‌توانند تا حدی از این حساسیت‌ها بکاهند.

به‌عنوان نمونه فرخی حبس را غمبار می‌داند و خانمان سوز، اما گویا خودش می‌دانسته و به‌قول معروف «پیه همه‌چیز رو به تنش مالیده بوده» او مرد فرصت‌هاست از سیاه‌چال‌های تاریک زندان هم نردبانی از اراده می‌سازد با دهان و لب دوخته خود، به تارک سخن می‌نشیند، فرخی از بارقه‌ای برای نیل به آزادی می‌گوید که راهش از مسیر زندان می‌گذرد. توگویی زندان رابطه‌ای مستقیم و البته معکوس با آزادی دارد؛ یعنی هر جا آزادی نیست زندان و زندانی فراوان است و هر جا که آمار زندانیان کم باشد با نباشد؛ آزادی مطلق موج می‌زند. فرخی گاهی مستقیم گلایه می‌کند.

در بند تمثیلی غم‌بار از آزادی در بند است:

ای که پرسى تا به کی در بند «در بندیم» ما
 تا که آزادی بود در بند در بندیم ما
 (فرخی، ۶۰:۴۵)

و در این بیت تمثیل در پارادوکس شاد بودن در میان غم را می‌بینیم.

تمثیل سرخوشی حقیقی به مناعت طبع:

خوار و زار بی‌کس و بی‌خانمان و در بندر
 با وجود این همه غم، شاد و خرسندیم ما

(همان، ۴۴)

و گاه غیرمستقیم مثلاً در این تمثیل مام وطن را آستن مردانی بزرگ می‌بیند و به آینده‌ای روشن امیدوار است.

تمثیل مادر به عنوان نماد وطن:

مادر ایران نشد از مرد زائیدن عقیم
 ز آن زن فرخنده را فرزانه فرزندیم ما
 (همان، ۴۵)

و این بخش زیباترین تصویر ادبیات انتقادی است. فساد که بالا بگیرد عفونت که فراگیر بشود درمانش هم سخت‌تر است؛ اما امید به آینده‌ای روشن و پرفروغ تصویری واقعی از ایده آل‌های گاه آرمانی است! ولی روشنفکر راهی جز این هم ندارد یا خفت یک زندگی مردابی را برای خودش و جامعه بپذیرد و عذاب جهل را ذره‌ذره سر بکشد و یا مردانه برای عقل افشانی سر را نثار کند.

۴-۳- نقش حاکم در شکل‌گیری ادبیات تمثیلی - انتقادی

اتخاذ سیستم‌هایی منظم بر اساس قوانین کارشناسی شده، توسط حکومت‌های مرکزی، صرف‌نظر از اینکه جزء وظایف ذاتی حاکمیت است؛ باعث آسایش و رضایتمندی مردم نیز خواهد بود؛ و نظارت مستمر و قاطع بر این قوانین؛ پیگیری و تعیین مجازات متناسب برای قصور یا تقصیرهای احتمالی نیز می‌تواند، در تقویت پایه‌های قانون تأثیرگذار باشد. به‌عنوان نمونه: «استفاده نادرست از وسایل عمومی که از طریق خود مردم با هزینه‌های بیت‌المال تهیه می‌شوند و حفظ و نگهداری آن‌ها، جدا از حفظ و نگهداری اموال شخصی نیست ... لذا استفاده نادرست یا بی‌توجهی به امکانات عمومی در حقیقت ضرر و زیانی است که متوجه همه مردم می‌شود قبل از این‌که مردم تحت آموزش رعایت بیت‌المال قرار گیرند، متولیان سازمان‌ها و نهادها باید خودشان عملاً اقدام به صرفه‌جویی و حفظ وسایل عمومی نمایند.» (ایزانلو، ۸۴: ۱۱۸)

بدیهی است شیوه برخورد با تخطی‌کنندگان و اعمال قاطع و سریع قوانین حقوقی و جزائی در نظام اجتماعی می‌تواند ضمن تداوم امنیت از سوءاستفاده‌های احتمالی بعدی هم پیشگیری نماید؛ و این مسیر منظم تنها زمانی می‌تواند جامعه را در چرخه‌ای سالم به تعالی سوق دهد که زمینه‌ی نکته‌سنجی به نقادان به‌ویژه اهل‌قلم و اصحاب رسانه داده شود؛ یعنی به‌نوعی همه‌ی مسئولین خود را در معرض دید عموم می‌بینند. در این‌چنین فضایی درصد خلاف و فساد کم و کمتر می‌شود و نیل به درستی نیز تقویت می‌یابد. وقتی منتقدان اصلاح‌طلب راه انتقال پیام‌های اعتراضی خود را در لایه‌های حکومتی بسته می‌بینند برای اثربخشی و جلب‌توجه هوشمندان جامعه دست به دامن ادبیات تمثیلی می‌شوند. مناقض‌نمایی تمثیلی در با فقر غنا داشتن را در این بیت ملاحظه می‌کنیم.

تمثیلی از قناعت در قالب اسلوب معادله:

با دست تهی پا بسر چرخ برین زد چون فرخیان رند که با فقر غنا داشت
(فرخی، ۶۰: ۷۰)

۴-۴- فرخی و نقدهای صریح یا تمثیلی

فرخی شاعر تندزبان و تیز پرواز (۱۳۰۶-۱۲۶۷) که در یزد متولد می‌شود و به خاطر سرودن مسمطی با مطلع ضحاک که نمادی از اهریمن است:

عید جم شد ای فریدون خو بت ایران پرست مستبدی خوی ضحاک است این خو نه زدست
(فرخی، ۶۰: ۱۴۸)

در بیت بالا تمثیلی نمادین از حاکم ضحاک منش آورده است.

در هجو حاکم ظالم یزد، به دستور ضیغم الدوله قشقایی دهانش را با نخ و سوزن می‌دوزند و به زندان می‌اندازند. روزنامه‌نگاری آزادیخواه و منتقدی مبارز بود. خودش بارها اعتراف کرده که زبان تندی دارد با این حال لحن و شیوه‌اش را نیز مرزبندی کرده است:

تمثیل راست روان که نماد دوستان وفادار است در قالب اسلوب معادله:

ما یکسر مو به کس دورویی نکنیم با راست روان دروغ‌گویی نکنیم
(فرخی، ۶۰: ۲۰۹)

چون پیش کنیم خرده‌گیری اما بالحن درشت عیب‌جویی نکنیم
(فرخی، ۶۰: ۶۳)

او رک و راست بودن را لازمه نقد می‌داند، چه بسیار منتقدانی که به قول سعدی ندیم سلطان‌اند، نه ندیم بادنجان. در صورتی که منتقد به‌دوراز هرگونه حب و بغض، تظاهر و چاپلوسی؛ صرفاً برای بهبود اوضاع، نقد را انجام می‌دهد. او دروغ‌گویی را از انسان‌های درست رفتار دور می‌داند و معتقد است برای اینکه آدمی در کنار هم‌نوعانش به کمال برسد باید موردنقد واقع شود.

او معتقد است «همان‌گونه که تفرج در گلزار موجب معطر شدن انسان به رایحه دل‌انگیز گل‌ها می‌شود، معاشرت با صادقان موجب معطر شدن انسان به عطر صداقت و رایحه درستی و راستی می‌گردد و به تدریج موجب تأثیرپذیری از آنان می‌شود.» (معماریانی، ۹۰: ۳۱۰)

این نکته که تأثیر همراهی با افراد مختلف در رفتار و منش آدمی گاه به تغییر ایدئولوژیکی هم می‌انجامد در اینجا بیشتر نمود دارد. با این توصیف که برخی از کنش‌ها با ذات و سرشت هیچ انسانی مطابقت ندارد. به‌طور مثال تبعیض، ستمگری یا تجاوز به کودکان و ضعیفان در سرتاسر عالم نکوهیده است درست همان‌گونه که کمک به ناتوانان یا حیوانات امری پسندیده و مطلوب است و آدمی می‌باید خیراندیشی و خیرخواهی را سرلوحه زندگانی خویش نماید همان‌گونه که شیخ اجل در ضرب المثل نیکی کردن و در دجله انداختن می‌فرماید:

تونیکی میکن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

(سعدی، ۱۰۹۵:۶۶)

از سوی دیگر چون «انسان ذاتاً زور و اجبار را نمی‌پذیرد و از رفتارهای تحمیلی استقبال نمی‌کند، چنین رفتارهایی هزینه‌تراش و مشکل‌ساز هستند.» (ایزنلو، ۸۴، ۱۰۶)

فرخی نیز در این زمینه در تشبیه زیر خودش را بلندتر و مردانه همت می‌داند.

تمثیل مناعت طبع:

روزگار او را پست نسازد پس همچون فرخی هر که با طبع بلند و همت مردانه بود

(فرخی، ۹۰:۶۶)

در این چرخه است که انسان‌های سالم پا را فراتر نهاده و به عکس‌العمل روی می‌آورند. به نظر می‌رسد فرخی همچون همه‌ی نخبگان تاریخ از تعارض و تبعیض موجود به تنگ آمده و تمثیل با خون‌روی زرد را شستن آورده است.

نمادی از غایت شجاعت:

به هنگام سیه‌روزی علم کن قد مردی را زخون سرخ فام خود بشو این رنگ‌زردی را

(فرخی، ۶۰:۴۵)

البته خودش خوب می‌داند که عامه مردم حتی به شیوه‌های نادرست زندگی هم عادت می‌کنند و در این میان تمثیل هر که او آگاه‌تر پر درد تر در مصرع اول و ناآگاهی عوام با عادت هرزه‌گردی در قالب اسلوب معادله:

نصیب مردم دانا به جز خون جگر نبود در آن کشور که خلش کرده عادت هرزه‌گردی را
(همان، ۶۶)

و در جامعه‌ای که رخوت و سستی فراگیر گشته و درجه‌ی ظلم اندک‌اندک بالاگرفته و به حالت جوش رسیده ولی هنوز هم حرکتی در هیچ‌کسی از مردم عادی دیده نمی‌شود، حتی سردهسته‌ها هم درگیر خودخواهی و خودپسندی می‌شوند، در این اوضاع تشخیص و حرکت در مسیر درست، کاری بزرگ و خطیر است.

تمثیل «عالم بی عمل» در واژه لیدرها:

ز لیدرهای جمعیت ندیدم غیر خودخواهی از آن با جبر کردم اختیار اقدام فردی را
(همان، ۴۶)

راه انتقاد اگر به آگاهی و صلاح نینجامد به شکل طبیعی به اعتراض مدنی و بعد جنبش مردمی منتهی می‌گردد.

البته اگرچه او خواسته، آن‌یک نفری باشد که باید به پا خیزد اما انسان است و محدود به نیازهای انسانی!

و گاه این‌چنین با تمثیلی دل‌نشین سیه‌بختی احوال خود را بازگو می‌نماید.

تمثیل تشبیهی آه و بخت در قالب اسلوب معادله:

شبی کز سوز دل شد برق آسمان پیما چوبخت خود سیه‌کردم سپهر لاجوردی را
(فرخی، ۶۰:۴۵)

آه را به رعد و بختش را به شب تشبیه کرده است.

۴-۵- نقدهای تمثیلی فرخی

میزان رفاه نسبی مردم و شیوه‌های زندگی روزمره ارتباط مستقیم با شیوه‌های حکومت‌داری حاکمان دارد و هر چه این شکاف بین مردم و حاکمان بیشتر شود، طبعاً مرفهین بی‌درد نسبت به وضعیت فقرا بی‌تفاوت‌تر می‌شوند و فریادهای خاموش فقرا هم رساتر می‌گردد. به‌ویژه اگر حاکمیت برای بقا و دوامش خونریزی را هم‌پیشه خود کند.

در سه بیت زیر فرخی ابتدا با تمثیل آغاز می‌کند اما تاب نمی‌آورد و حرفش را مستقیم می‌زند.

تشبیه تمثیلی در واژه ابر بهاری:

چون غیر خون نبارد ابر بهاری ما	گلرنگ شد در و دشت از اشکباری ما
خوب اعتبار دارد بی اعتباری ما	بی خانمان و مسکین بدبخت و زار و غمگین
با هم قرار دارند بر بی قراری ما	یک دسته منفعت جو با مشتی اهرمن خو

(همان، ۴۰)

ابر بهاری نماد اوضاع حاکم در جامعه است و در بیت دوم کنایه پاردوکسی در بی اعتباری که دلیل شهرت اوست و در بیت سوم تمثیل مشتی اهرمن خو که نماد حاکمان ظالم هستند. و وجود و نفوذ یک نیروی نامرئی ولی اهرمن خو تحت عناوین، قدرت‌های در سایه، یا مافیا حرف نهایی را می‌زند.

و فرخی این چنین فضایی را رخوت بار و مرگ‌آفرین می‌داند و حسرت انسانیش را این‌گونه بیان می‌کند.

تمثیل استعاری در واژه یاری:

کز روی غمگساری آید به یاری ما	در این دیار باری‌ای کاش بود یاری
-------------------------------	----------------------------------

(همان، ۴۰)

که منظور از یاری هم‌رزم، همراه، مبارز و همسنگر است. و در فشارهاست که هرکسی فقط به فکر نجات و رهایی از منحصه‌هاست و طبعاً اخلاق هم افول می‌کند به‌طور اجمالی نقدهای موجود در ادبیات ما هم بر اساس تندلی لحن و شدت و غلظت کلام همانند سه سطح «مبالغه، اغراق و غلو» به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: برخی از نقدها لحنی دوستانه دارند که تمثیلی هم می‌توانند باشند؛ بعضی دیگر قاطعیت را در کلامی منطقی بیان کرده‌اند و بعضی دیگر نیز بی‌هیچ واهمه‌ای لبه تیز و برنده شمشیر نقد را بکار می‌برند که فاقد هرگونه استعاره و تمثیل هستند.

۴-۵-۱- تمثیل و نقد ملایم:

بیان کاستی‌ها، ضعف‌ها و مسائل موجود در کنار تعریف و تمجیدهای موازی، درواقع یکی به نعل کوبیدن و یکی به میخ زدن است. به‌عنوان نمونه عطار در شرح خصلت‌های پادشاهان، خندیدن

درملاءام را نقصان می‌داند و هم‌نشینی با تهی‌مغزان را علت خواری برمی‌شمارد و نیز با زبانی نقادانه زن‌بازی، مردم‌آزاری و ظلم را از آفات حکومت می‌داند. پس در نقدهای دوستانه شاید به کنایه و تمثیل آن‌چنان نیاز نباشد.

با زنان شاهی که در خلوت نشست دور نبود گر رود ملکش زدست
هر که را فر جهانداری بود میل او سوی کم آزاری بود
عدل باید پادشاهان را و داد تا ز عدلش عالمی گردند شاد
(عطار، ۷۷: ۱۳)

فرخی از این نوع نقدهای ملایم که تمثیل ندارند استفاده کمتری داشته است.

تمثیل تشبیهی دل به مرغ و تن به قفس و اضافه‌ی تشبیهی زیبای بند غم:

دل در قفس سینه تن مرغ اسیر است کز بند غمت خاطر آزاد ندارد

(فرخی، ۶۰: ۸۵)

و صدا البته شیوه نقد عطار زبانی شیرین در قالب ملایمتی مسامحه‌ای است:

گر کند آهنگ ظلمی پادشاه سود نبود مر ورا خیل و سپاه

(عطار، ۷۷: ۱۳)

و امید به عدالت فراگیر را از عوامل بقا و محبوبیت برمی‌شمارد.

چون‌که باشد عادل میمون لقا باشد اندر ملک او را بقا
چون کند سلطان کرم با لشکری مهر او سازند صد جان و سری

(همان، ۱۳)

و این شیوه بیان عطار در تبیین عوامل سعادت و رستگاری جامعه‌های بشری بیانگر فضای حاکم بر جامعه زمانش می‌باشد و این شیرینی آمیخته با مسالمت در نقد نیز، خود جای بحث دارد.

۴-۵-۲- تمثیل در نقد جامع:

نقدهایی که مبتنی بر منطق باشند علاوه بر قاطعیت با نوعی مهربانی نیز همراه هستند؛ یعنی هم جامع‌اند هم مانع؛ و در آن به همه جوانب با دقتی ظریف پرداخته می‌شود. در این‌گونه نقدها حب و بغض‌های افراطی بندرت یافت می‌شوند و اگر به تمثیل پرداخته شود برای تأثیر بیشتر است ابتدا

فکرش را به غزال تشبیه می‌کند و آنگاه ادعا می‌کند که غزال اندیشه‌اش از بزرگان ادب و غزل‌سرایان نامی هم پیشی می‌گیرد.
تمثیل فکر به آهو:

در غزل گفتن غزال فکر بکر فرخی طعنه بر گفتار سعد و شعر خواجه می‌زند
(فرخی، ۱۳۶: ۶۰)

علی‌الگویی بی‌نظیر در برخورد باهمه‌ی زیردستان، به‌ویژه منتقدان یا حتی مخالفان است، وقتی او تا این حد به مخالفین خود به شیوه‌های دموکراتیک رفتار می‌کند در حقیقت الگویی تمام‌نما از حکومت اسلامی - علوی را ارائه می‌دهد که در تاریخ بی‌نظیر و یا کم‌نظیر است.

اینکه صداهای مخالف هم در یک جامعه بتواند بلند شوند با شنیده شوند دیگر نیازی به خشونت هم نیست و این عین عقلانیت همراه با انسانیت است؛ که اگر این‌گونه نشود یعنی حاکم با تکیه بر قدرتش به هیچ‌کسی اجازه اظهارنظر ندهد، رشد و آگاهی متوقف می‌شود همان‌گونه که اقبال لاهوری نیز در کنار سایر شهدای آزادی‌خواه در ترکیب‌بند زیبایی:

«از خواب گران‌خواب گران‌خیز، از خواب گران‌خیز» (اقبال، ۶۱: ۴۸)
عمده مشکل جوامع شرقی را نه دلاویزی‌افرنگ و شیرینی و پرویزی غرب و نه از ویرانگری غرب؛ بلکه از خواب عمیق و عدم آگاهی جامعه‌های عقب‌افتاده و کمتر توسعه‌یافته شرقی می‌داند.
و در یک بیت این‌چنین هدفش را به زیبایی بیان می‌کند.
تمثیل تشبیهی خاور که استعاره از مشرق زمین است به غبار:

خاور همه مانند غبار سر راهی است یک ناله خاموش و اثر باخته آهی است
(همان، ۴۸)

تمثیل در هر ذره که مجاز از جای جای آسیا است:
هر ذره‌ی این خاک گره‌خورده نگاهی است از هند و سمرقند و عراق و همدان خیز از
خواب گران‌خواب گران‌خواب گران‌خیز از خواب گران‌خیز
(همان، ۴۸)

۴-۵-۳- تمثیل در نقدهای تند و آتشین

از جمله نقدهایی که ادبیات انتقادی ما را مشحون از فراخوانی به کنش و گاه قیام نموده این‌گونه نقدهاست که شاعر یا منتقد تنها راه رسیدن به هدف را کلامی تلخ و تندوتیز می‌داند. منتقد در این مرحله سازش را نه تنها نمی‌پسندد بلکه آن را به‌نوعی ننگ قلمداد می‌نماید و به طبع از ویژگی‌های این آثار می‌توان به تلفیق شور و شجاعت مبتنی بر شعور یادکرد؛ و بدیهی است احساس در این‌گونه نقدها بر منطق و استدلال می‌چربد.

تمثیل خون چکیدن از چشم به خاطر وفا و درست‌کاری:

از درستی چو به پیمان‌شکنی تن ندهیم جای می، خون‌دل از دیده به پیمان‌ه ماست

(فرخی، ۶۰:۷۱)

و البته این دسته منتقدان بی‌شک حرکت‌های انقلابی و اتحاد ملت‌های دربند استعمار را تنها راه باقی‌مانده برای رهایی می‌دانند.

فرخی نیز برای تبیین نیروی شگفت‌انگیز مردمی دست به هر کاری می‌زند، او نخبه است و رسالت یک روشنفکر، آگاهی بخشی از عواقب همه‌ی امور است. گرچه می‌بایست با انگیزش هیجانانگیز، تولید نیرو نماید، اما هم‌زمان به تبعات و عواقب خوشایند و یا ناخوشایند اقدامات عملی نیز می‌پردازد: تمثیل در مصرع دوم به نماد قدرت توده:

دولت هر مملکت در اختیار ملت است آخر ای ملت به کف کی اختیار آید تو را

(فرخی، ۶۰:۴۵)

تمثیل مقاومت و مبارزه و تشبیه تمثیلی مردگان به افراد خنثی:

پافشاری کن حقوق زندگان آور به دست ورنه همچون مرده تا محشر فشار آید تو را

(فرخی، ۶۰:۴۱)

و در این چند بیت به یک فرآیند کاملاً طبیعی برای پیدایش یک دگرگونی به نام انقلاب می‌پردازد؛ و با توصیف عواقب پیروزی و شکست، ایثار جان و خون، از کشتندگی و عذاب‌آوری انتظار هم‌سخن به میان می‌آورد.

تمثیل کنایه‌ای بیت اول به ضرب المثل «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود»

تا نسازی دست و دامن را نگار از خون دل کی به کف بیخون دل، دست نگار آید ترا
(فرخی، ۶۰: ۴۵)

تمثیل جوی خون به جان نثاری و استعاره سرو دل جو از آزادی:

کن روان از خون دل جو در کنار خویشتن تا مگر آن سرو دلجو در کنار آید ترا
فرخی بسپار جان و ز انتظار آسوده شو گر به بالینت نیامد در مزار آید ترا
(فرخی، ۶۰: ۴۵)

۴-۵-۴- شکوه فقر در اشعار تمثیلی - انتقادی فرخی

گاهی حتی پارادوکس‌های آمیخته با طنز نیز نمی‌تواند تأثیر تلخ نداری، فقر و فلاکت را در زندگی اجتماعی مردم نادیده بگیرد.

فرخی نیز با درک این موضوع در بیت زیر با آرایه‌های ادبی متنوع رعیت فقیر را ولی نعمت و ارباب می‌خواند و در مصرع دوم فروتنی را دلیل عزتمندی می‌داند.

تمثیل نمادین خاکساری از پارادوکس زیبای سعدی «قناعت توانگر کند مرد را»:

از فر فقر دادیم فرمان به باد و آتش اسباب آبرو شد این خاکساری ما
(فرخی، ۶۰: ۴۵)

البته او به نوعی، از بی تفاوتی مردم در مواجهه با بیدادگری‌ها پرده برمی‌دارد، اینکه دردی جانکاه جسم و جان این بزرگ‌مرد راه آزادی را لگدمال می‌کند و آن نه از سوی حاکمان اهریمنی، بلکه از طرف سست عنصران منفعت‌طلبی است که برای حطام دنیایی و منافع آنی، با تبانی‌های آمیخته با تزویر جگرش را می‌خرانشند. فرخی محافظه‌کاران حریص را همدست حاکمان شیطان‌صفت می‌داند. تمثیل کنایه‌ای منفعت جو از فرصت طلبان محافظه کار:

یکدسته منفعت جو با مشتی اهرمن‌خو باهم قراردادند بر بی‌قراری ما
گوش سخن شنو نیست روی زمین وگرنه تا آسمان رسیده گلبانگ زاری ما
(همان، ۴۰)

و گویا طبیعی است کسی که گرسنگی را باهم وجودش لمس نکرده پیشنهاد تناول کیک خامه‌ای بکند
به فقیری که او نان هم برای خوردن ندارد!
و فرخی تفاوت طبقاتی را درک کرده:
تمثیل در قالب اسلوب معادله که مراد اختلاف طبقاتی است:

پیکر عریان دهقان را در ایران یاد نارد آنکه در پاریس بوسد روی سیمین پیکران را
(همان، ۴۶)

تشبیه سرمایه داری به کسوف:

شد سیه‌روز جهان از لکه سرمایه‌داری باید از خون شست یکسر باختر تا خاوران را
(همان، ۴۶)

او معتقد است که حتی برهنگی هم می‌تواند از نوع بی‌لباسی فقرا باشد یا از سر باکلاسی اغنیا! البته از دیدگاه توده مردم این شکاف‌ها علتی جز نظام سرمایه‌داری ندارد و حکم نهایی هم معلوم است؛ اینکه باید با خون قیام کرد و احقاق حق نمود.

شکاف‌هایی که مردم را به دودسته فقیر و غنی، مالک و زارع و یا ... تقسیم می‌کند، مساوات و انصاف را در جامعه از بین می‌برد؛ و دیدن رفاه مطلق عده‌ای انحصارطلب برای دردمندان ناخوشایند است و در کشوری که این‌چنین باشد یعنی برخی حقوق دیگران را به‌ناحق خورده‌اند و این از نمادهای ظلم است. در تداوم این شیوه‌ی شوم؛ خلاف میل باطنی همه؛ جریانی شکل می‌گیرد که در آن گرداب آتش، خشک و تر باهم خواهند سوخت و این عین زیانکاری است.
تمثیل در استعاره‌ی دیار شوم از ایران زمین:

مالک غرق نعمت جاه و جلال و قدر زارع اسیر زحمت و رنج و بلا هنوز
(همان، ۱۱۲)

تمثیل در شاه و گدا که نماد طبقه حاکم و رعیت است:

شد دوره‌ی تساوی در این دیار شوم فرق است در میانه شاه و گدا هنوز
(همان، ۱۱۲)

تشبیه طوفان انقلاب و محیط که استعاره از اوضاع جامعه است:

طوفان انقلاب رسدای خدا ولیک ما را محیط کشمکش ناخدا هنوز

(همان، ۱۱۲)

و یا درجایی دیگر در تصویر زشت از فقر به نکاتی زیبا اشاره دارد:

تجار ز فقر ناشکیبا گشتند بی چیز و گدا از پیر و بُرنا گشتند

دیگر چه ثمر ز دستگیری وقتی کز فقر عمومی همه بی پا گشتند

(همان، ۱۸۸)

در این رباعی به زیبایی تصویری از وضع اجتماعی مردم برای نیکی کردن در شرایط خاص به نمایش

گذاشته شده است. شیخ اجل هم در بیت

ششه که بازارگان را به خست در خیر بر شهر و لشکر بست

(سعدی، ۷۲: ۳۲۶)

به این تعامل آشکار اشاره دارد و یا در این بیت:

طمع کرد بر مال بازارگان بلاریخت بر جان بیچارگان

(همان، ۳۲۶)

بر تاثیر نامنی سرمایه دار در سلب امنیت اقتصادی جامعه و آسیب های آن می پردازد.

۴-۵-۵- سرچشمه ناهنجاری های اجتماعی

فرخی راهنماست او گاهی برای روشن کردن فضای تاریک کشور ناچار می شود شمعی را روشن نگاه

دارد و باظرافت به برخی موارد اشاره کند:

تمثیل در کنایه ی کیست که منظور شخص حاکم است:

این فقر و غنا برای ما مایل کیست؟ و زخواری ما بهر غنی حاصل چیست؟

گر عقده ای از اغنیا آسان شد دانی که علاج فقرا مشکل نیست

(دیوان، ۷۷: ۱۷۱)

وقتی فقر بی‌حد باشد مانند دردی است که شدید شده است و گاه متأسفانه، علت اصلی دردهم فراموش می‌شود گاهی نیز با علم به اینکه سرچشمه‌ها را می‌دانیم، آنچه را که می‌بینیم قضاوت می‌کنیم؛ هرچند حرص و طمع نیز در جامعه‌ای که اقتصادش بیمار باشد، بلای جان همه به‌ویژه ثروتمندان خواهد بود، ولی باید دانست منبع اغلب گرفتاری‌های اجتماعی درجایی دور از دسترس عموم است.

فرخی جزء معدود آزادیخواهانی است که تا پایان عمرش دست از روشنگری برنداشته؛ او آتش نقد را گاهی شعله‌ور و گاهی ملایم‌تر برمی‌افروخته و درد مردم را درد خود می‌دانسته، گرچه باسواد و روشنفکر بوده اما سطح زبانش را تا پایین‌ترین درجات و تا سطح عوام می‌آورد تا فهمش همه‌پذیر و البته دلپذیر باشد.

جسارت و شجاعت مثال‌زدنی او در بیان حقایق و ستمگری حاکم وقت، عزم جزم او را برای احیای آزادی می‌رساند. اختناق و خفتان حاکم در کنار نبودن امکانات اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای؛ بزرگی کار او را دوچندان کرده است.

نتیجه‌گیری

تمثیل انتقادی یکی از ابزارهای اصلاح و تعالی هر جامعه، تفکر و یا موضوعی است که معمولاً خوشایند نقد شونده نیست و اصولاً در پی نقدهاست که نواقص برطرف می‌شود، زیبایی‌ها تقویت می‌شود و کمال همه‌جانبه محقق می‌گردد.

فرخی نیز گاهی با بهره‌گیری از ظرفیت تمثیل در قالب تشبیه، استعاره، کنایه و اسلوب معادله اعتراضش را فریاد زده است هر چند می‌توان گفت او شاعری بی‌باک و رک بوده است. اما این ابزار در واقع دوسویه است؛ یعنی گرچه به‌ظاهر منتقد می‌تواند بایان و قلم، فکرش را جهت بهبود اوضاع در قالبی هنری و به‌ویژه متنی ادبی - انتقادی طرح و بیان نماید؛ اما طرف دیگر که موردنقد واقع می‌شود به شکلی غیرمتعارف به چالش کشیده می‌شود؛ چالشی که اغلب ناخوشایند و زیان‌بار است. این خود آغاز راه است؛ مخصوصاً اگر موردنقد شخص حقیقی، تفکر یا ایدئولوژی و یا مراکز قدرت و ثروت باشند؛ یعنی اگر حاکمیت قدرتمندی را که با ثروت آلوده به فساد هم شده را موردنقد قرار دهید، از آسیب‌های قطعی آن بی‌نسیب نخواهی ماند. چون همان‌طور که اشاره شد این ابزار دوسویه که یک‌سویش در دستان انتقاد شونده و سوی دیگرش در دستان انتقادکننده است برنده و خطرناک است و البته در آخر کارساز!

باین همه دامنه نقدهای تمثیلی به قدری وسیع است که گاه شاعر یا نویسنده با بهره‌مندی از ظرفیت‌های بیکران ادبیات قادر می‌شود زیباترین آثار ادبی را با رویکرد سیاسی - اجتماعی خلق نماید بی‌آنکه خللی به نظام ادبیات و یا آسیبی جدی به خودش برساند.

در این میان فرخی یزدی منتقدی است که نقد او بیشتر از اینکه توانسته باشد اصلاحی باشد؛ جنبه اعتراضی یافته او وقتی همه‌گیری فساد حاکمان را می‌بیند شمشیر زبان از نیام ادبیات بیرون می‌کشد و با نقدهای تند و آتشین که گاه تمثیل هم دارند به رشد سطح آگاهی جامعه اهتمام می‌ورزد و صدا البته اوضاع سیاسی حاکم نیز با هر شیوه‌ای از جمله شلاق و زندان و یا ... سعی در خاموش کردن منتقدانش داشته تا بهتر و بیشتر به غارتگری بپردازد و سرانجام نیز از ریختن خون این منتقدان متفکر که از سرمایه‌های هر ملت و کشور محسوب می‌شوند؛ ابائی روا نمی‌دارد.

منابع و مأخذ:

قرآن مجید

- اقبال لاهوری، (۱۳۶۱). کلیات، م. درویش، علمی: جاویدان.
- ایزائلو، حیدرعلی، (۱۳۸۴). روش‌های نادرست زندگی: سخن گستر.
- پروین اعتصامی، دیوان، (۱۳۷۹). تنظیم شهرام رجب‌زاده، قدیانی، چ سیزدهم.
- حمیدی، سعید، (۱۳۸۶). قرآن و طبیعت، تهران: حلم، چ دوم.
- دمینیک سکران، (۱۳۷۵). کلاسیسیم، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- رزمجو، حسین، (۱۳۸۹). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، تهران: آستان قدس.
- سعدی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۷۵). کلیات، به تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: ناهید.
- صفا، ذبیح اله، (۱۳۶۲). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس، ج اول.
- طباطبایی، آیت‌الله سید حسین، (۱۳۸۲). موسوی، سید محمدباقر، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عطار، شیخ فریدالدین، (۱۳۷۷). دیوان، تصحیح. درویش، تهران: علمی، چ ششم.
- علی بن ابی‌طالب، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات قدس، بهار ۸۲.
- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۷۲). در گلستان خیال حافظ، تهران: آستان قدس، چ دوم.
- فرخی یزدی، محمد، (۱۳۶۰). کلیات دیوان، تهران: جاویدان.
- فرخزاد، فروغ، (۱۳۹۷). مجموعه اشعار «فروغ فرخزاد»، بی جا.
- حسینی کازرونی، سیداحمد، (۱۳۹۸). کاربرد نماد و تمثیل در شعر عطار نیشابوری، فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادبیات فارسی بوشهر، شماره ۳۹ صص ۱۱۷-۱۳۵.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۰). جاذبه و دافعه علی، قم: انتشارات صدرا.

- معماریانی، محمد، (۱۳۹۰). در سایه‌سار قرآن و عترت، تهران: شریف.
- مهرابی بردر، حسین، (۱۳۹۴). آداب، اخلاق اجتماعی در مثنوی، زانکو.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، (۱۳۶۲). کلیات مثنوی، تهران: نشر طلوع.
- نفیسی، سعید، (۱۳۷۱). فروغی، سرچشمه تصوف در ایران. تهران:؟، چ هشتم.
- هنرمند، نوشین، (۱۴۰۰)، بررسی تمثیل فشرده در غزلیات حافظ، تحقیقات تمثیلی در زبان و ادبیات فارسی بوشهر، شماره ۵۰ صص ۱۵۰-۱۶۵.

References

The Holy Qur'an

- Iqbal Lahori, (1361). Koliat, M. Darvish, Elmi, Javidan.
- Izanlou, Heydar Ali, (2004). Incorrect ways of life, Sokhon Gostar.
- Parvin Etisami, Divan, (1379). Edited by Shahram Rajabzadeh, Qadiani, 13th edition.
- Hamidi, Saeed, (1386). Qur'an and nature, Helm, second edition.
- Dominic Sekertan, (1375). Classicism, translated by Hassan Afshar, published by the center.
- Razmjoo, Hossein, (1389). Literary types and their works in Persian language, Astan Quds.
- Saadi, Mosleh bin Abdullah, (1375). Koliat, edited by Bahauddin Khorramshahi, Nahid, first edition.
- Safa, Zabih Elah, (1362). History of literature in Iran. Ferdows, first volume.
- Tabatabai, Ayatollah Seyyed Hossein, (1382). Mousavi, Seyyed Mohammad Baqer, Tafsir al-Mizan, Qom, Islamic Publications Office, vol.
- Attar, Sheikh Fariduddin, (1377). Divan, corrected by M. Darvish, Scientific, 6th edition.
- Ali Ibn Abi Talib, Nahj al-Balagheh, translated by Mohammad Dashti, Quds Publications, first edition, Spring 2018.
- Farshidord, Khosrow, (1372). In Golestan Khayal Hafez, Astan Quds, second edition.
- Farrokhi Yazdi, Mohammad, (1360). Kliai Divan, Eternal.
- Farrokhzad, Forough, (2017). Collection of poems by "Forough Farrokhzad"
- Kazroni, Syed Ahmad, (2018). The use of symbols and allegory in the poetry of Attar Neishabouri, chapter of allegorical research in Persian language and literature, Bushehr, number 39, pp. 117-135.
- Motahari, Morteza, (1360). Attraction and Repulsion Ali, Qom, Sadra Publications.
- Memariani, Mohammad, (1390). In the shadow of the Qur'an and Atrat, Sharif, first edition.
- Mehrabi Berdar, Hossein, (2014). Manners, social ethics in Masnavi, Zanko.
- Maulvi, Jalaluddin Mohammad Balkhi, (1362). Kliai Masnavi, Tolo publication.
- Nafisi, Said, (1371). Foroughi, the source of Sufism in Iran. Eighth edition.
- Artman, Noushin, (1400), review of intensive allegory in Hafez's sonnets, allegorical research in Persian language and literature, Bushehr, number 50, pp. 150-165.